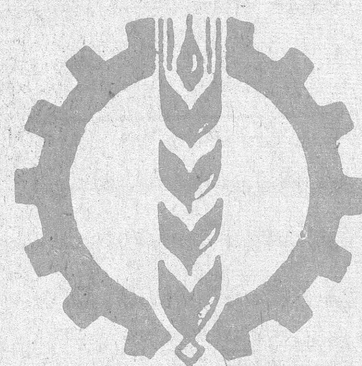
چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور را به همه هموطنان شادباش میگوییم



حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره اختصاصی به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور
سه‌شنبه ۷ ثور
Apr.il 27, 1982
شماره مسلسل ۲۵۷

انقلاب به پیش می رود

چهار سال از انقلاب ما گذشت، درین مدت زمان انقلاب ما بر عکس پیشگویی های رنگارنگ مداحان ارتجاع وامپریالیزم ، علی الرغم دشواری‌ها، اشتباهات وکج روی ها ، دسایس توطیه هاو خیانت ها به سیر پیشرونده وظفرمند خود ادامه داد .

ما گامهای استواری را در زمینه ایجاد سیستم واحد و موثر دفاعی در وجود قوای مسلح اعم از اردو ، خارندوی و خدمات اطلاعات دولتی، گروه های مدافعین وسپاهیان انقلاب ملیشای قبایلی و بریگاد های نظم اجتماعی ، برداشته ایم .

ما تنها نیستیم در سراسر جهان قلب های آرزومند میلیونها انسان شریف بخاطر پیروزی‌های انقلاب ما می طپد ، امروز بیشتر از هر زماندیگر نیرو های وسیع انقلابی و دموکراتیک جهان بادرک حقانیت راه ما در کنار مردم ما قرار دارند .

حیثیت واعتبار بین المللی کشورما هرگز در طول تاریخ موجودیت آن باندازه امروز با اهمیت نبوده است.

ما با احساس مسوولیت عظیم انقلابی در برابر مردم عذابدیده وطن ازبذل هیچگونه تلاشی در جهت تامین صلح سراسری ملی وپایان بخشیدن به تشنج کنونی پیرامون اوضاع کشورما در منطقه که بعلت تجاوزات امپریالیستی بمیان آمده است، دریغ نمی‌ورزیم .

هیچ کشور دیگری نمیتواند ادعا کند که باندازهٔ ما در جهت تامین صلح وآرامش درمنطقه سعی وتلاش صادقانه بخرج داده است.

باید متذکرشد که باوجود قابلیت حیاتی نیرومند انقلاب ما و موجودیت نیروهای ذخیروی قابل اعتماد داخلی وبین المللی وبا وجود اینکه تجربهٔ سالهای گذشته بروشنی نشان داد که هیچ نیرویی قادر نیست انقلاب ما را به عقب براند ، دشواری‌ها ومشکلات فراوانی در سر راه ما وجود دارد موجودیت دشواری ها و مشکلات درمسیر پروسه انقلابی امری طبیعی بوده وتاریخ انقلابات اجتماعی موید این سخن است .

ما از مشکلات و خواستهای بر حق مردم خود اطلاع کافی داریم .این خواستها که مبتنی بر مقتضیات یک زندگی انسانی در سطح امکانات کشور وعصر ما میباشد ،مورد تایید ماست. خواستهای اساسی مردم ما را تامین امنیت ، بهبود شرایط کار ، ارتقای سطح زندگی زحمت کشان ،تعمیق باز هم بیشتر قانونیت دموکراتیک، تامین امکانات کافی جهت دسترسی همگانی به مزایای فرهنگ ، صحت عامه ، مسکن وکار مورد علاقه هریک ازافرادجامعه تشکیل میدهد. ماتاکنون توانسته‌ایم درحدود امکانات خویش به این خواستها جواب بگوییم ،اگر تمام وظایف محوله تاکنون بسر انجام نرسیده اند ، علت اساسی آنرا باید در وجود خرابکاری ها و تجاوزات ضد انقلاب جست که با ایجاد مشکلات در زمینه های مواصلاتی و خرابکاری در بخش های موسسات اقتصادی فرهنگی و صحی زندگی آرام مردم ما را برهم میزنند .

ضد انقلاب هیچگاهی قادر نبوده ونخواهد بود تابا برنامه و پروگرام مشخص سیاسی وایدیولوژیک در برابر انقلاب ما قد علم نماید . تمام خرابکاری گوروسیاهکارانه یی که بوسیله ضد انقلاب انجام میگیرد ، تابع سیاست تجاوز گرانهٔ امپریالیزم بخاطر ضدیت باانقلاب ما میباشد . به‌این امر نباید کم بها دادوبی‌اعتنایی کرد. امپریالیزم با صدور ضدانقلاب ورهبری اعمال خرابکارانه آنها علیه مردم وکشورما، هدف مشخص سیاسی را درجهت جلو گیری از بسیج عمومی مردم بخاطر دفاع از انقلاب وکشاندن انقلاب به انزوای سیاسی وبالاخره ناکام ساختن آن، دنبال مینماید .

ما باید باهوشیاری وبا تعقیب شیوه های متناسب و موثروبا تکیه برنیروی مردم علیه این پلانهای شوم برزمیم ،ارتجاع بین المللی علی الرغم ایجاد مشکلات فراوان بر سرراه رشد انقلاب ما نتوانست به اهداف شوم خویش برسد ودر آینده نیز قادر نخواهدبود این اهداف را عملی سازدولی نباید ازیاد بردکه امپریالیزم به‌تناسب شکستهایی که متحمل میگردد هار گردیده ونیروها وامکانات تازه‌تر و بیشتری رابخصوص دروجود ضدانقلاب داخلی بمیدان می‌آورد.

باید آمادگی لازم مبارزه علیه این نیروهای امپریالیزم را داشت وسطح آمادگی بسیج کننده و جنگی حزب ودولت را باید متناسب باوضع جدید بالا برد . این امر از ما میطلبد تا :

ـبه تقویت هر چه بیشتر سیستم واحد دفاعی در نبرد تاریخی برعلیه دشمنان انقلاب بپردازیم .

ـوحدت عمل هرچه وسیعتر مردم رااز طریق فعال ساختن هر چه بیشتر سازمانهای اجتماعی وتوده یی وتبدیل آنها به مراکز واقعی تجمع توده‌ها تامین نماییم . باید واقع بین بودو اعتراف نمودکه تاکنون از تمام امکانات وشیوه های مطلوب استفادهٔ لازم بعمل نیامده است . بایدبه‌کار در میان توده ها اهمیت فراوان قایل بود سیاست ما درین زمینه باید انعکاس دهندهٔ غنای سرشار آموزش از توده ها بوده و زندگی همه طبقات و اقشار مردم رادر تنوع همه جانبه آن در نظر گیرد .

ـوحدت ارگانیک واصولی صفوف حزب را باید بمثابهٔ عامل اساسی وتعیین کنندهٔ پیروزی های ما استحکام بخشیم .

باید به کوششهای شروع شده درزمینه توضیح هر چه بیشتر وبهتر حقایق مربوط به انقلاب وجامعه وبالنتیجه بدست آوردن دوستان بیشتر بین ـ المللی انقلاب ما ادامه دهیم .

به همبستگی بین المللی باانقلاب ما بمثابه یکی از حربه های اساسی ومطمین دفاع از آن در برابر تجاوزات بیگانگان باید توجه نمود . درینجا باید از نقش عظیم اتحاد شوروی بزرگ در امر کمک بمردم ما بخاطر طرد و دفع تجاوز خارجی ودفاع از استقلال ملی ما با سپاس بیکران یاد آوری نمود ما توسعه وتعمیق هر چه بیشتر روابط برادرانه را باکشور کبیر شوراها بعنوان تکیه گاه مطمین واساسی تمام جنبش های مترقی وانقلابی جهان وظیفه عدول ناپذیر خویش میدانیم.



انقلاب ظفر نمون ثور جامعه بلاکشیده ما را تکان عمیق داد ومردم ستم دیده کشوررا به نوسازی اجتماعی فراخواند.

جلسه کمیسیون عالی اصلاحات دموکراتیک ارضی وآب

تحت ریاست رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان چارمین جلسه کمیسیون مشترک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان در باره اصلاحات دموکراتیک و عادلانه ارضی دیروز ساعت (۱۰) قبل از ظهر در مقر شورای انقلابی دایر گردید .

نخست رفیق ببرک کارمل اعضای کمیسیون را متوجه اهمیت مبرم تطبیق عادلانه دموکراتیک اصلاحات ارضی وتوزیع آب ساخته اظهار نمود :

بخاطر رفع تمام عقب ماندگی های ناشی از مناسبات غیر عادلانه واعمار افغانستان پیشرفته و شگوفان اصلاحات دموکراتیک ارضی وتوزیع آب یک امر ضروری تلقی میشود که تحقق این امر سعی و تلاش تمام سازمانها و ارگانهای حزبی و دولتی را می طلبد .

کمیسیون وظایف مشخص را به سازمانها و ارگانهای حزبی ودولتی در زمینه تسریع تطبیق توزیع زمین و آب واسناد رسمی ملکیت زمین سپرد. همچنان به کمیسیون های انسجام و بررسی اصلاحات ارضی و ولایات صلاحیت داده شد تا بمنظور تسریع وفراهم سازی تسهیلات در بارهٔ تطبیق اصلاحات ارضی بارعایت قوانین و مقررات در زمینه توزیع زمین به مستحقین اجراآت نمایند .

جهت تشدید فعالیتهای اصلاحات ارضی و آب در جمهوری دموکراتیک

(ص ۳)

فشرده خبر های مهم

مبادله پیام ها

رهبران اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی بمناسبت چارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور پیامی عنوانی رهبران جمهوری دموکراتیک افغانستان ارسال نموده اند که متن آن توسط فکرت احمد جانوویچ تابییف سفیر کبیر آنکشور در کابل به رفیق ببرک کارمل تقدیم گردید .

متقابلا رهبران جمهوری دموکراتیک افغانستان پیام جوابیه‌یی عنوانی رهبران اتحاد شوروی ارسال داشته اند که متن کامل این پیام درشماره آینده تقدیم خواهد شد .

ملاقات با رفیق کارمل

رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان عصر دیروز ماکیف معاون شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را که برای شرکت در چارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور بکابل آمده است برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند .

طی این دیدار درحالیکه رفیق سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب و رئیس شورای وزیران نیز حاضر بود پیرامون موضوعات طرف علاقه در فضای دوستانه صحبت بعمل آمد .

(ب)

اهدای عالیترین مکافات مسابقات کار

رفیق سلطان علی کشتمند عضو بیروی‌سیاسی کمیته مرکزی‌حزب‌دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس‌شورای وزیران دیروز درفش افتخاری وجایزه درجه اول مسابقات کار را به فابریکه خانه سازی اهدا نمود .

(ص ۲)



فرخنده باد چهارمین سالگرد انقلاب ثور!

انقلاب و آیندهٔ جامعهٔ ما

هر فرد ز حمتکش جامعه ما اکنون بخوبی میدانند که سعادت وخوشبختی اجتماعی پدیده موهومی وافسانوی نبوده و نیز رهائی از جبر اجتماعیو طبیعی امر نا ممکن و خارج ازتوانائی انسان ز حمتکش نیست .امروز که مردم ماازپروسه‌درنگ ناپذیر ز ندگی وروند تو فنده انقلاب میا موزند ، این روند تند وسریع انقلاب بمردم درس میدهد وباور آنها رابه آینده‌سعادتمند قوام میبخشد .

انقلاب ملی دمو کراتیك ثور، مردم مارا بیشتر در گذشته دربرابر ذهنیت خرافی عقبمانده معتقد به این ساخت که در واقعیت امر انسان زحمتکش جامعه ماتوانائی سا ختمان جامعه‌راکه درآن همهٔ زحمتکشان بتوانند بری‌از هرنوع تبعیضات و نابرابری های طبقاتی ، جنسی ونژادی وبدون هرنوع تفاوت محیطجغرافیائی ، سوابق‌تاریخی وسایر ویژگیها در نتیجه فعالیت‌فکری وجسمی خود از هر گونه نعم مادی و معنوی برخوردار گردند ،دارند.

حرف بر بستر نا هموار روندرنگ ناپذیر انقلاب ثور است ،قبل ازآغاز انقلاب ثور ، جامعهٔ مادر انجمادی نسبتاً فکری ومادی قرار داشت و روند سریع انقلابی چنان تکان هائی به آن داد که پاسداران نظام هـای تاریخ زده از ارواح خبیثه خـو یش طلب همیاری نمودند و با جامه های کهن دربرابر جریان تو فنده انقلاب قرار گرفتند . قبل از پیروزی انقلاب ثور جامعه ماار لحاظ اقتصادی، جامعهٔ عقب نگهداشته شده دهقانی وکثیر-الملیهٔ بود ، هشتاد در صد نفوس به زراعت مشغول بودند،تولید زراعتی سهم شصت در صد را در تولید ملی داشت . تولیدات زراعتی ما یحتاج‌مردم را رفع کرده نمی توانست . تحولاتی چشمگیری‌دربخش صنعت بنظرنمیرسید دراثر سلطه رژیم های وا بسته بـه امپریالیزم وسرمایه داران مر بـوط به آن رشد صنعتی کشور در حالورـ شکست بود . بدینترتیب دراثر تسلط نظام پوسیده بر جا معه تـوده های زحمتکش در شرایط فقر ، گرسنگی دربدری ، ذلت و محدود بودن خدمات فرهنگی و صحی زندگی میکردند .

پنج در صد نفوس در روستا های کشور را زمینداران تشکیل میدادند که نیمی از زمین‌های زراعتی رادردست داشتند آنهااز امتیازات بدست آوردن تخم بذری، آب وکود کیمیاوی نیز برخوردار بودند . ۷۸ در صد نفوس کشور همانا دهقانان زحمتکش وبی زمین بودند که کمر شان زیر رنج و زحمت بزرگ خم میشد . در بیشتر ولایات وزمینهای حاصلخیز ،دهقانان ۱ بر۶ مزدوری را صاحب میشدند.

قبل از انقلاب ثور انسان زحمتکش کشور دراثر بیکاری «بیکاری‌نامرئی»و مناسبات غیر عادلانه ودیگر عوامل، برای کارو مزدوری به کشور های خارجی جذب میشدند که در آستانه انقلاب به تعدا د بیشتر از دو ملیون نفر از آنها به ایران ، پاکستان و حوزهٔ خلیج رفته بودند .

از ذکر مختصر نکات چند دربالا، میتوان‌ازچهره دیروزی جامعه بلاکشیده مان تصویری در ذهن مجسم سا خت انقلاب ملی دمو کراتیك ثور سر آغاز محو این بدبختی‌هابود . ح.د.خ.ا این سازماند هندهٔ قهرمان انقلاب ثور ومرحله نوین تکاملی آن بااعتقاد به پیشرفت ، بر بنیاد ایدیالوژی‌علمی به این امر نیز باور داشت و داردکه:

«وقتی کشوری درراه تحولات بزرگ گام گذاشت ، در چنین حالتی ، خدمت این کشور و حزب طبقه کارگر که‌در این کشور به پیروزی رسیده است ، در آنست که ، و ظایفی که درگذشته بشکل تجریدی وتیوریك مطرح‌بود. اینك امروز بصورت جدی به عمل نزدیك میشوند ... »

امروز حرف بر سر عمل است .

اکنون‌که حاکمیت‌انقلابی زحمتکشان درکشور مستقر گشته است ، اصلاحات دموکراتیك ارضی چهره ر و ستا ها ودهات مارا تغییر داده و میدهد. امکانات ایجاد پروژه‌های عظیم صنعتی مهیا میگردد .درهر سنگر و هر موضع دفاع جانانه‌از انقلاب صورت میگیرد ،

آزادیهای دمو کراتیك تامین میشوند پروسه سوادو آموزش گسترش‌مییابد، پایگاه اجتماعی انقلاب در وجود جبهه وسیع‌ملی پدروطن و سایر فعالیت‌های اجتماعی گسترده تر گردیده ورشته وحدت ویکپارچگی میان همهٔ ملیت ها، اقوام و قبایل کشور تحکیم‌یافته است .. .

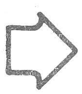
اگر آینده را از سکوی امروزین می‌بینیم، پس حتماً یادی از رو یداد بزرگی در زندگی سیاسی ـ اجتماعی جامعه ما و ح.د.خ.ا باید نمود . این رویداد سترگ ، کنفرانس سرتاسری ح.د.خ.ا است که چندی قبل بر گزار گردید وآینده کشورراهمچنان روشنتر ساخت. دربرنامه‌عمل‌ح.د.خ.ا که‌دستاورد عظیم این کنفرانس است آمده است : «پروسه دگر گونی های انقلابی در کشورمانه‌تنهابرگشت‌ناپذیراست، بلکه مرحله به مرحله به جلو میرود.»درین ارتباط ضروری است بگوییم که‌کشور مادر جمله بسیاری‌از کشور های‌مترقی جهان قرار دارد که راه رشد غیر سرمایداری رادرپیش گرفته وحاکمیت انقلابی زحمتکشان درآن‌استقرار یافته درطی‌طریق انقلابی از هرگونه تردد و دودلی نجات یافته اند . حاکمیت سیاسی از نظر محتوی حاکمیت دموـ کراتیك طراز نوین میباشد .

دراخیر بخش وظایف اجتماعی‌حزب دربرنامه عمل بیان شده است که: «حزب ما معتقد است که اجرای‌کامل وظایف مطروحه به جامعه ما امکان خواهد داد تابه مرحله عالی تکامل‌مادی و معنوی نایل گردد . هموطنان ما زندگی بهتر دا شته بـا شنـد ....»

همچنان بااعتقاد راسخ ، دربر نامه عمل از نظر اقتصادی تصریح‌گردیده که : «حزب ما اطمینان کامل داردکه در آینده نزدیك‌کشور ما میتواند وباید بتواند که هم از نظر اقتصادی بـه کشور رشد یافتهٔ مبدل گردد ، که دارای صنایع پیشرفته متنوع باشد زراعت مفید و نیرومند و باشنده گان مرفه خوشبخت وبا سواد و دارای سطح عالی آگاهی سیاسی و فرهنگی داشته باشد . »

از ینرو مردم‌ما درروند رویداد های انقلابی با نظر مساعدبه آینده مینگرند وبدین باور دارند که آینده هر تبعه شرافتمنددرکشور، آینده ایست‌مشحون از حیثیت و شرافت و خوشبختی و سعادت . این چنین زند گی کـــه سر آغاز انقلاب ملی دمو کراتیك ثور بود ، امروز شکل میگیرد ، در چنین آینده روشن است که توده های زحمتکش ما از زیر بار ستم ،اسارت جهل، مرض ، اندوه، بدبینی، خطر و فلاکت و محیط ناسالم بیدرنگ نجات یافته و زندگی واقعاً انسانی اختـیار خواهند کرد .

«سپیرکی»



با پیروزی انقلاب ثور برج وباروی استبداد ومنا سبات ظالمانه جاویدانه فرو ریخت .

این تانکها خشم آتشین مردم مارا علیه استبداد فیو دالی در هفت ثور ۱۳۵۷ تبارز دادند و ا را ده تا ریخی آنانرا ، با سر نگونی سیطره جبارانه آخرین حکمران ستمگر خا ندان‌نادری وبنیان گذار ی جمهوری دمو کراتیك افغانستان تحت رهبری حزب زنجیر شکن د مو کراتیك خلق افغا نستان به کر سی نشاندند .



بقیهٔ صفحهٔ اول

اهدای عالی ترین مکافات...

در مراسمی که بدین مناسبت د ر محوطه فابریکه خانه سازی ترتیب‌شده بود بعضی از اعضای کمیته مر کز ی حزب دمو کرا تیك خلق افغانستا ن واعضای شورای و زیران ، کابل‌شاروـ وال ، ر ئیس و اعضای شو ر ا ی مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان کارگران و کار مندان ز حمتکش‌فابریکه خانه سازی شرکت نموده بودند .

مسابقات کار که به اساس مصوبه شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان در بین فابریکات وموسسات تولیدی مرکز وولایات کشور به‌افتخار چهار مین سالگرد انقلاب شکو همند ثور از تاریخ اول میزان الی اخیر حوت سال ۱۳۶۰ براه انداخته شده‌بود، کارگران زحمتکش فابریکه خانه سازی باکار و پیکار خستگی نـاپذیر شان مقام اول این مسابقات را به دست آورده اند .

رفیق سلطانعلی‌کشتمند با تفویض درفش افتخار ی و جایزه در جه‌اول این مسابقه ، این موفقیت وپیرو زی بزرگ کار گران‌شرافتمندو زحمتکش فابریکه خانه سازی رابه همه آنها تبریك و شاد باش گفته افزود :

اجرای مسابقات کار در کشو ر ما یك پدیده جدید است و صرف شش ماه از تاریخ آغاز آن به یك مقیاس محدود می گذرد ولی نتایج‌حاصله‌گواه برآنست که‌کار گران پر استـعداد ، زحمتکش و مبتکر مانه تنها از آ ن به شایستگی استقبال کردند بلکه از عهده اجرای آن بدرستی بدر آمدند .

حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان و دو لت جمهوری دمو کراتیك افغا ـ نستان در راس رفیق ببرك کار مـل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموـ کراتیك خلق افغانستانو رئیس‌شوـ رای انقلابی در حالیکه از شر کت‌فعال کار گران قهرمان مادر جبهه تولید ودر جبهه‌دفاع از انقلاب ودست‌آورد های مترقی آن صمیمانه سپاسگز ار انـد خدمت به‌کار گران و بهبود شرایـط کار و زندگی آنانرا از وظایف عمد ه اساسی‌واولی خود میشمارند. (ب)

با پیروزی انقلاب ثور در میهن ما حاکمیت زحمتکشا ن مستقر گردید. مردم زحمتکش ما با هیجا نیکه تمام رگها‌وسلول های شانرا فرا گرفته‌بود ازآن استقبال کردند واین لحظه یی‌از نخستین روز های انقلاب‌است .



ورود مهمانان

● یك هیات اتحاد شوروی بریاست ماکی‌یف معاون شورای وزیران‌آنکشور بدعوت شورای انقلابی و حکومـت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان برای شرکت در مراسم تجلیل چارمین‌جشن انقلاب شکوهمند ثور دیروز وارد کابل گردید .

در میدان هوایی بین المللی‌کابل رفیق محمود بریالی عضو علی‌البدل بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب د مو کراتیك خلق افغا نستان، رفیق عبد المجید سر بلند معاون شورای وزیران ، مسوول شعبهٔ تبلیغ ترویج و آموزش کمیته مرکزی حزب معین وزارت امور خارجه ، سفیرکبیر وبعضی از اعضای سفارت کبرای‌اتحاد شوروی مقیم کابل از هیات با گر می استقبال کردند .

● میدکوگریگوریف معاون‌رئیس‌شورای دولتی‌جمهوریت مردم بلغاریا بنابدعوت شورای انقلابی و کمیته ملی جبهه‌ملی پدروطن افغانستان در راس هیـاتـی برای شرکت در مراسم تجلیل چارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور دیروز وارد کابل شد .

رفیق پوهنمل گلداد معاون شو رای وزیران، معین وزارت ا مـور خـارجـه ومعاون ریاست تشریفات آن وزارت وسفیر کبیر بلغاریا مقیم کابل د ر میدان هو ایی بین المللی از مهمانان بلغاریایی با گرمی استقبال نمو دند.

طبق گزارش دیگر هیأت جما هیریه عربی‌لیبیا، هیأت جمهوریت سوسیا ـ لیستی ویتنام ، هیات جمهوری دموـ کراتیك مردم یمن ، هیأت جمهو ریت مردم مغلستان ، هیأت جمهوریت‌کیوبا وهیأت جمهوریت مردم مجا ر ستان بدعوت شورای انقلابی ، کمیته ملی جبهه ملی پدروطن وسازمانهـای اجتماعی برای شرکت در مراسم تجلیل چارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور دیروز وارد کابل شدند . (ب)

اهمیت تـاریـخی انقـلاب ثـور

انقلاب ثور بحیث پیا مـد مستقیم مبارزات طولا نی‌مردم زحمتکش افغا نستان دو ران کیفیتا نوینی را در تاریـخ زندگی زحمتکشان کشور مـا کشود .

انقلاب ثور ، که بر پایه ، قانونمندی های عینی تکا مل جـا معـه مـا بـه پیرـ وزی رسید ، وارث تاریخـی مبارزات طـو لانـی گـذ شته وطنپر ستان افغانستان بـه خاطر آینده بهتر وسعاد تمند است، مبارزات غرور آفر یـن انقلابی خلق افغانستا ن پس از انقلاب ثور با مبارزات پرـ دامنه و قهرما نانه مرد م ما برعلیه نظام های ضد مردمی قبلی پیوند سر شتی دارد و عمیقا به آن اتکامی نماید .

مشخصه اساسی دورا ن نوین تاریخی که با انقلاب‌ثور آغاز یافت عبارت از آن‌است که‌با استقرار حاکمیت انقلابی دمو کرا تیك کار گران‌ودهقاـ نان در افغانستان ، برای‌اوـ لین بار در طول تاریخ کشو ر قدرت سیاسی به زحمتکشا ن منتقل گردید و قدرت دو لتی طراز نوین که بیانگر منافـع اساسی وارما نهای توده ها ی وسیع مردم ماست . بو جود آمد .

باتامین حاکمیت انقلا بی ، خلق قهرمان افغا نستان دوران رنج و مشقت ناشی از تسلط فیودا لان وکمپرادوران راعقب گزارد ، به‌خلق آزاد و مستقلی که‌سر نوشت‌خویش راخودش معین می‌نماید مبـــدل گردید وبه کار دورانساز بخاطرایجاد بنیاد های جامعه عدالـــت اجتماعی ، آغاز نهاد .

((حاکمیت انقلا بی مرد م دستاورد عمده انقلاب پیروزـ مندثور است، در عین زما ن این حاکمیت ابراز عمده‌سیاـ سی برای تعمیق و تکا مـل بیشتر انقلاب و بسط وتوسعه تحولات اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی به نفع توده‌های‌وسیع مردم ، سپر مطمین دفـاع از دستا ورد های انقلاب در برابر دسایس و توطئه های‌ار تجاع داخلی‌وخار جی است.))

به اتکای حاکمیت انقلا بی مردم ، در تحت رهبری ح.د.ـ خ . ا ، سیستم نوین سیاسی که بیانگر ماهیت دمو کرا تیك انقلاب ثور بوده‌علاوه برارگان های دولتی ، جبهه ملی پدر وطن به مثابه پایه قدرت‌زحمت کشان در جمهوری دمو کرا ـ تیك افغانستان را یکجا باتمام ساز مان های اجتماعی ـتوده یی شامل آن نیز در بر مـــی گیرد ، ایجاد گردید .

انقلاب ثور که در تحـت رهبری حزب دمو کرا تیـك خلق افغانستان به پیروز ی رسید ،ح.د.خ.ا ، را به حـزب انقلابی حاکم ، به پیشا هنگ سیاسی زحمتکشان و به‌نیروی سـا ز مـا نـد هنـد ه تحولات ملی ودمو کرا تیـك در کشور مبدل نمود .

رهبری ح.د. خ.ا، بر روند انقلاب ، از نظر تعیین سمتـ گیری انقلاب ، پیگیری دردـ گرگونی های بنیادی ملـی ـ دمو کرا تیك به سود زحمت کشان و تضمین گذار به‌جا ـ معه عدالت اجتماعی درکشور اهمیت قاطع تاریخی دارد .

در تجربه تاریخی انقلا ب ثور، پروسه دیالکتیکی تکامل آنرا به مرحله‌ای نوین بایـد بیشتر برجسته نمود .

((روند تکامل انقلاب ملـی دمو کرا تیك ثور بعد ازپیرـ وزی آن هموار و یکنوا خت نه بوده است انقلاب نه تنها بـا انحرا فات واشتبا هاتی که‌در ابتدا صورت گرفت بلکه بـا مداخلات و تجاوزات ساز ما ن یافته از خارج نیز موا جـه گردید.))

ح.د.خ.ا معتقد ا ست کـه ((پرو بلمهای موجود کشور وانقلاب نه‌به یکبارگی و فو راً بلکه مرحله به مرحله قابـل حـل‌می باشد ، هر مرحله یی از تکامل آن فقط بعد ازاجرای وظایف مرحله قبلی آغاز شده می تواند ... حزب در عیـن زمان که‌به فرا جهیدن ازمراـ حل، گسست از واقعیـت و شتاب بی مورد اجازه نمیدهد هیچگونه وقفه رانیز درتحو ـ لات انقلابی افغانستان تحمل نمی تواند .))

شش جدی کـه بـه ا تکای خصلت پیشرو نده انقـلا ب به‌مثابه مرحله جدید د رچو ـ کات دوران ملی دمو کرا تیك به‌پیروزی رسید ، بنیاد ها ی سیا سی ـ تار یخی انقلاب ثور را ادامه و تکامل داده بـــا مختصات اصولی مر حله قبلی انقلاب پیوند ماهوی دارد .

انقلاب ثور بر پایه خصلت پیگیر ضد امپر یالیستی خود اثرات ژرف و گستر ده یی‌بر جنبش انقلابی در منطـقه ، جنبش آزادی بخش ملی و جنبش انقلابی بین المللی بر جا گذارد .

انقلاب ثور افغانستان رابه گرهگاه عمده تضاد های‌طبقاـ تی‌درسطح بین‌المللی و شش‌ـ جدی افغانستان را به یکی از نقاط اصلی تعرض روند وا حد انقلاب جهانی برضد امپـر ـ یالیسم مبدل نمود .

درست برین بنیاد است که مبارزه قاطع ، پیگیر واصو لی در جهت استحکام بنیاد ها و تحقق ارمان های انقلاب ثور، به منزله سهمگیری وا قعـی انتر ناسیو نالیستی بـــرای پیروزی روند واحد و پیرو ـ زمند انقلاب جهانـی ، سهم‌ـ گیری پـرافتخار در امر تا ـ ریخی سعاد ت‌بشری مـــی باشد .

((هرمز))

از درس های انقلاب

از پیروزی انقلاب ثور در افغا ـ نستان ، چهار سال می‌گذرد .پروسه گسترش تحولات انقلابی روز های دشوار ، پیروزیها و نا همواریها را همراه داشته است : انقلاب ثور به ارادهٔ اکثریت قاطع مردم‌زحمتکش افغا نستان تحت رهبری حزب‌د.خ.ا، به پیروزی رسید و درنخستین‌گامها، جریان دگر گونیهای بنیاد ین به سود توده های مردم آغاز ودرجهت استحکام قدرت‌نوین مردمی سلسله‌یی از تدابیر انقلابی به منصه اجرا در- آمد . اندکی بعد از پیروزی انقلاب اشتباهات و انحرافات در منظره سر- نوشت انقلاب و امر تکامل آن‌سایه افگند و دستاورد های انقلاب را در معرض تهدید قرار داد وبه عبارهٔ دیگر امکان «وقفه ودر نیمه راه‌ماندن» به خطر جدی مبدل گردید .

نیروهای سالم ح.د.خ.ا در پاسخ به نیاز تکامل انقلاب ، توانستندامکان تاراج دستاورد های‌انقلابی رادر شش جدی سال۱۳۵۸ منتفی سازند .با- پیروزی مرحلهٔ نوین انقلاب ، هم اکنون انقلاب تکامل می‌یابد و همه گسترده های‌زندگی اجتماعی ـاقتصادی را فرا می گیرد .

پیروزی قیام مسلحانه ۷ ثور تجربهٔ مهمی را ارائه نمود .این تجربه یکبار دیگر صحت رهنمود های آموزش مترقی‌رادر زمینه اشکال‌مختلف تامین سر کردگی طبقهٔ کارگرو همه زحمتکشان د رانقلاب‌ملی- دموکراتیك وراه های مختلف گذار به جامعهٔ‌نوین رابه‌اثبات‌رسانید.پیروزی قیام‌مسلحانه ثور نشانداد که : وظیفه تدارك انقلاب در همه سطوح و «محاصره همه جانبهٔ دژ دشمن » را (به تعبیر رهبرکارگران جهان از تدارك انقلاب) می‌توان در- لحظهٔ معین ومناسب تاریخی بااستفاده از «برتری کیفی وسازمان یافتگی خویش» وباتکیه‌برارادهٔ بالقوه اکثریت مردم انجام دادو بدینگونه بردشمن غلبه نمود . تجربهٔ پیروزی انقلاب ثور بیانگر این واقعیت نیز هست که اگر دشمنان می‌توانند با دست زدن به کودتا انقلاب را مو رد سر کوبی قرار دهند ، نیرو های انقلابی نیز قادر اند با یورش ناگهانی برماشین دولتی و تصرف آن ستون فقرات ارتجاع را بشکنند وبا اجرای تحولات بنیادی جامعهٔ نوین را شالوده گذاری نمایند .

در روند انقلاب ثور ، فصل‌تسلط اشتباهات و انحرافات و مجموعه پی آمد های فاجعه انگیز ودرد ناك‌ناشی از آن ، انقلابیون کشور ما رادر روشنایی نتایج مهم نوینی قرار داد. اشتباهات وکژ رویها ازمشی انقلابی در شرایط انقلابات ملی ـ دمو کراتیك می‌تواند امکانات «وقفه ودر نیمه راه ماندن» انقلاب هارا محتمل‌سازد.اینست آن‌درس عمدهٔ که زندگی بر ثبوت‌آن صحه گذارده است . مادر تجربهٔ‌تلخ دوران تسلط امین و دستیاران خاین وی ، یکبار دیگر صحت این حکم‌رادر یافتیم که «در چار چوب انقلاب‌آزادی ملی علیه امپریالیزم ، امکان «وقفه‌ودر نیمه راه ماندن» وجود دارد واین‌نه‌تنها در رژیم های بورژوا دمو کراتیك‌بلکه در رژیمهای دمو کراتیك ملی نیز محتمل است .»

آنانیکه «آهنگ برگشت» رابر منافع رشد پروسه انقلابی رجحان دادند و خواستند انقلاب را بر بیراهه بکشانند فراموش نموده بودند که نمیتوان‌ارادهٔ تاریخ رامیخکوب کردو خواست میلیونها مردم زحمتکش را که‌سعادت آنان باامر انقلاب پیوند یافته است نادیده انگاشت . شب سیاهی که انقلاب رابه مخاطره می‌افگند درشش جدی ۱۳۵۸ پایان یافت . اما نسل انقلاب‌ومشعلداران راه خوشبختی مردم در دوران کوتاهی ازسیطره‌خونین یك فاجعه تاریخی ، بیشتر ازده ها سال فعالیت روز مره وعادی آموختند. آنها آموختند و فرا گرفتند که راه روندگان انقلاب ، همیشه راه هموار نیست ، نبایدبه کامیابی های نخستین بسنده کرد،چه چیز حق‌است‌وبه سود مردم است ، میتوان با شعایر«چپ» به عرصه وارد شد وعلیه انقلاب عمل نمود ، اقدامات قبل از موقع وتدارك نشده چه نتایج‌شومی به بارمی‌آورد... وبالاخره درسهای مربوط به چگونگی امر نجات انقلاب،مردم ووطن ازخطرات تهدید کنندهٔ ضد انقلابی . بر بنیاد حجم نوینی از تجربه پیکار انقلابی که با خون هزاران شهید گلگون کفن حزب و جنبش رنگین است ، انقلاب وارد مر حلهٔ نوین تکا ملی آن گردید. از پیروزی مرحله نوین انقلاب بیش از دوسال می گذرد . طی این مدت تحت رهبری حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان کار عظیمی بسود پیشرفت اجتماعی وبه سود توده های زحمتکش مردم صورت گرفته است . نتایج‌عمده بیانگر رشد انقلاب که باید در مدت بیش از دوسال اخیر ارائه گردد ، مشتمل است بر : تحکیم و تقویت نقش رهبری کننده حزب د.خ.ا، در جامعه ، گسترش پایه های توده یی انقلاب به اتکاءاحیاوتحکیم‌باور مردم به حزب و انقلاب ، تحکیم قدرت‌مردمی در محلات وروستاهای کشور ،نابودی باندهای بزرگ ضد انقلابی وبالاتر بدست آوردن ابتکار ستراتیژیکی در مقابله با ضد انقلاب ، تحکیم ا ستقلال ملی ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری دمو کراتیك افغا نستان ، پیدایش عناصر نوین در عرصه های اجتماعی ـ اقتصادی و سلسله از تدابیر در جهت عبور به سازندگی اجتماعی .

انقلاب افغا نستان بر پایهٔ واقعیات واحکام پیشگفتهٔ ، هم اکنون درروند تثبیت تحکیم‌وگسترش خود قراردارد. بخصوص اکنون‌بیش از هرزمان‌دیگری می‌توان از پیروزمندی انقلاب به‌مفهوم دقیق کلمه سخن گفت ، زیرا انقلاب توانسته است راهش را میان توده‌های مردم بیشتر ازپیشتر باز نمایدوارتش پاسدار میلیونی خودرا بوجود آورد. حزب ما طی مدت زمانی بعداز پیروزی مرحلهٔ نوین انقلاب باتوجه به تجارب گذشته، اقداماتی را به منصهٔ اجرا گذارد که بیگمان زندگی بر صحت‌و درستی آن گواه روشن است .

تجربهٔ انقلاب افغانستان درس های عمدهٔ را طی مراحل دوگانه آن ارائه میدارد . انقلاب مایکبار دیگر نشانداد که : نمیتوان از مراحل تاریخی فراجهیدو با اقدامات وتدارکات ذهنی گرانه وقبل از موقع جریان تکامل قانونمند جامعه را نادیده انگاشت.

انقلاب ثور علاوتاًنشانداد که‌اقدامات ذهنی گرانه ، نادیده گرفتن روحیات وسطح‌آگاهی توده‌ها،کاررابه‌ماجراجویی وقفه و حتی ترازیدی های تلخ رسانده می تواند .

در روند انقلاب افغا نستان ،تجارب عدیده یی دیگری نیز برای انقلابیون کشور ما یاری دهندهٔ کارو پیکار در جریان آتی نبرد خواهد بود : د رین زمره میتوان از ضرورت توانایی‌انقلاب برای‌دفاع از خود ، «وفاداری به‌درفش انتر ناسیونالیزم پرولتری» ، «فعالیت آنجا که توده ها هستند» ، «مبارزهٔ پیگیر برای جلب متحدان توده یی از میان طبقات استثمار شدهٔ غیر پرولتری » ،«وفاداری به امر تا مین اتحاد نیروهای مردمی ، احترام به‌سنن مذهبی و ملی وسلسله از اصول متدو لوژیك دیگر متناسب به‌شرایط مشخص جا معهٔ ما ، نام برد .

انقلاب ثور درس عمده دیگری‌رانیز بیان میدارد : پیروزی مادر دست‌های گره کردهٔ ما ، در وحدت آهنین‌ماست. تجربهٔ انقلاب افغا نستان نشانداد که برای جنبش‌انقلابی‌وحدت و همپیوستگی ضرورت ایست انکار ناپذیر ، این واقعیت درمتن تجربهٔ انقلاب افغانستان با خطوط روشن نقش بسته است .

واما انقلاب ادامه دارد ودر هر گام برای هر انقلابی هر انسان زحمتکش و هر باشنده آگاه ووطنپرست کشور، تجربه هاودرس های نوینی را ارمغان میدارد .

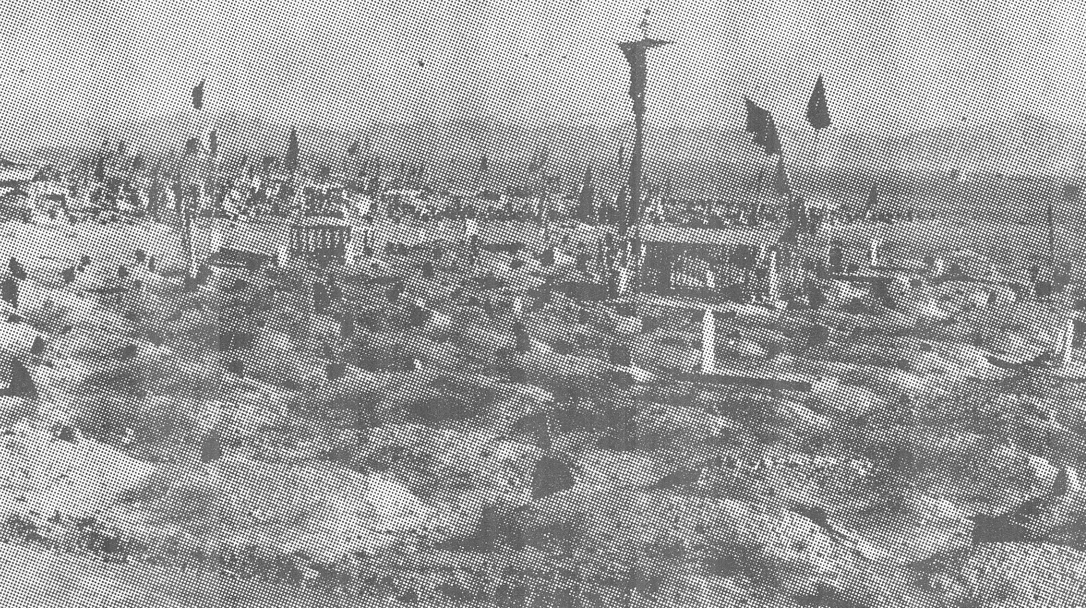
هنوز خون شهیدان راه انقلاب‌ماز بام ها و سنگلاخ ها نخشکیده است. هنوز گردنه ه ای دشوار در پیش‌است و ما هریکی موظفیم تا مسوولانه از مبارزات و نبردهابیا موزیم ،فراگیریم وبکار ببندیم ، اگر تاثیر تاریخی‌هر- عملکردی تاثیر عقلایی آ نست ، پس باید از هر عملکردی آموخت ، ازهر- تجربه فرا گرفت وآن را فرا راه‌آینده قرار داد .

از درس های انقلاب بیا موزیم زیرا «انقلاب در مدت کوتاهی پرمعنا- ترین و گرانبها ترین درس‌هارا به‌تمام میدهد . در دوران انقلاب میلیونهاوده ها ملیون تن از مردم در هر هفته بیش از یکسال زندگی عادی و خواب آلود چیز می آمو زاند . »

از درس های انقلاب بیا موزیم، زیرا در گامهای مهم ودر اشتباهات درد ناك روند گان راه انقلاب ، نتایج روشنی بخشی نهفته است .

از درس های انقلاب بیاموزیم ، زیرا انقلاب خود مکتبی است که هم توده ها و هم رهبران رامی‌آموزاند و در کوره راه های انقلاب آنان راآبدیده ترمی سازد .

«ظ ـ یماء»



درود به‌شهیدان قهرمان انقلاب!

شما قهرمانان گلگون کفن ،شما پیشتازان حزب قهرمان تان ، شما بهترین نمونهٔ انسان پیشرو ، شما انسان پیشتاز وسترگ طراز نو.

به شما ، به عزم متین تان‌درود.

در سپیده دم طلوع باور ها با محموله سنگین از تعهد با مردم با استواری و پایداری ، با ار مان پاك انسانی ، سرود زندگی برلب باعزم آهنین وایمان‌خدشه ناپذیر بجاودانگی پیوستند .

درسپیلدم شکست سکوت ، باـ وفاداری به حزب وانقلاب ، باسر ـ سپرده گی واز خود گذری با آرمان والا و مقدس انسان باور مند، باقلب سر شار ازعشق،به میهنشان باحماسه های پربار تر و رنگینتر در قصه‌های مان ویاد هایمان جاودانه گردیدند.

در تلالوی خور شید سپیده دم، خون های پاك وداغ شانرا بخاطر شگوفانی آ رزو های انسان ز حمتکش در پای نهال انقلاب ریختند .

در اهتزاز نسیم تازه نفس چون قطرهٔ اشکی رها از چشم زمانه شدند تادر تبلور سپید سپیده ها نور را وسپیدی را به جاودانگی گیرند، آفتاب را همیشگی سازند تا د گر شب هابا قیر گونگی هایش تن خویش بر بام هایمان نساید .

در راه یك آرزوی بزرگ ، شگرف سر کش و مغرور ، شور بختی‌ودلهره را مغلوب باور انسان گردند وبر پردهٔ امید باخونشان‌تصویر آزادی کشیدند.

در لحظات آ بستن حوادث با مشعل فروزان حقیقت وباور به پیروزی‌انسان هدفمند ، بقلب تاریکی ها یورش بردند ، و آنگاه نوراز ظلمت زاده شد .

چه زیاد خفته اند آنجا عزیزان ما:

آنجا آرامگاه‌قلب خونین دوشیزه‌یی دردل خاك پنهان‌است‌که هر لحظه برای آرمان والا ومقدس انقلاب ثور وبخاطر رنج های ریشه دار مردم ووطن‌بگرمی می طپید این قلبرا با سرب داغ از حرکت باز داشتند تا جلو آرزو هایش رابگیرند ،اما چه کسی خاموش خواهد کرد آواز و نعره آنانی را که بخون خواهی این گلگون کفنان برخا سته اند .

ای قهرمانان ! درزندگی به حزب پرافتخار تان می بالیدید واکنون‌حزب تان به قهرمانیه ای شما افتخار میکند. درود برتو ، ای که در زندگی هرگز دربیکران روح بزرگت یاس جوانه نزد ، در اهتزاز نسیم تازه نفس‌به تابوت تو وبخاك مزارتو سوگند که سرود هستی ما نرا تا بیکران بنام جاودانه تو سر خواهیم داد .

تو ای مادر که با قلب خو نین هزار ترانه بر لب ، از مزار این گلگون کفنان میگذری ، منال که جگر گو شهٔ من کنار فرزند تو با خنجر کین ستم بارگان رخ درنقاب خ اك کشیده ، بیدارش مکن که جا ودانه خوابیده.

توای شاعر ارمغان شعرت رابنام او بخوان که خو نش خاك تشنه‌هرکوی وبر زن رارنگ زد بنام‌او بخوان که‌به بیکران و به جاودان رسیده .

درود بر شما ای قبر های گمنام چه زیادید که نه اسمی دارید و نه نشانی .

درود بر شما که یکی ، یکی ساخته شدید و گستره تپه رالاله سان فرا گرفتید وابدی شدید ! (مورچل)



بنای یادگاری رزمندگان راه انقلاب‌که جانهای شیرین شان را در راه‌آرمان های والای انقلاب از دست داده‌اند

بقیه ص اول

جلسه کمیسیون...

افغانستان هیأت باصلا حیت‌کمیسیو ن موظف گردید تاجریان تطبیق ا صلا ـ حات ارضی و توزیع آب را در مرکز وولایات کشور وارسی و در مورد تسریع‌کار توزیع زمین واسناد رسمی ملکیت زمین اقدامات عملی اتخاذ نمایند .

کمیسیون خاطرنشان نمود که از طریق کمیته های حزبی و ار گان‌های محلی دولتی کمیته های انقلا بی‌دهقا- نان برای توزیع زمین و کمیته ها ی دهقانی جهت توزیع آب در سراسر کشور به اسرع وقت ایجاد گردد .

دراخیر کمیسیون قسمت اول پلان عملیاتی چارم مرحله تکاملی اصلا ـ حات دمو کرا تیك ارضی و آب راکه‌از طرف وزارت های فواید عامه ، آب و برق، صحت‌عامه، تعلیم‌وتربیه وریاست عمومی انکشاف دهات طرح گردیده‌بود ودرسال ۱۳۶۱ در ولسوا لیها ی ده سبز ، بگرامی وچار آسیاب ولا یت کابل تطبیق میگردد تصویب نمود .

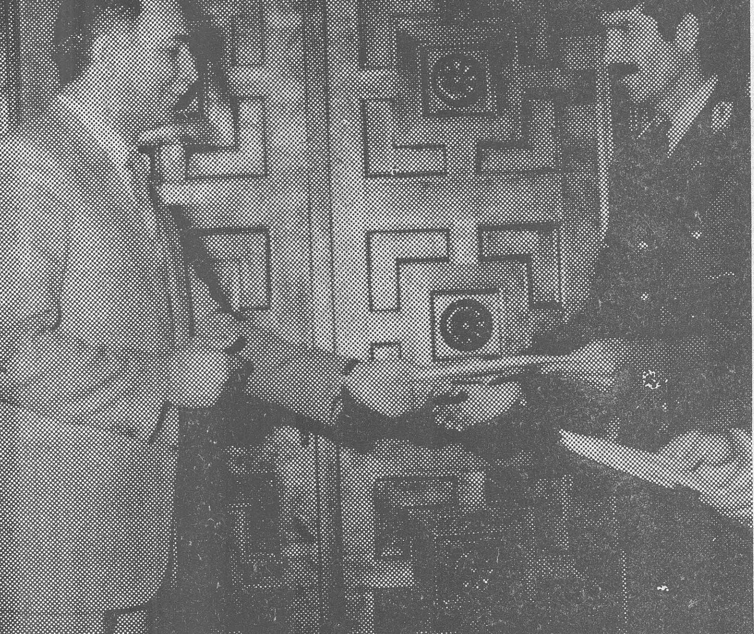
خان عبد الغفا ر خان عازم جلال‌آباد گردید

خان عبدالغفار خان زعیم مبارز پشتونها دیروز از کابل عازم‌جلال‌آباد مرکز ولایت ننگرهار شد .

در میدان هوایی بین المللی‌کابل بعضی از اعضای بیروی سیاسی ، منشی های کمیته مرکزی حـزب دمو کراتیك خلق افغا نستان عده‌یی از اعضای کمیته مرکزی وشورای وزیران و مقامات عالیر تبهٔ حزبی و دولتی ، عده‌یی از علاقمندان خان عبدالغفار خان را مشایعت کردند.

خ ان عبدالغفار خان چندی قبل‌از جلال آباد برای تداوی بکابل آمده بود . (ب)

توزیع کارت های ترفیع بریدجنرالی



رفیق نور احمد نـور عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستا ن حین تو زیع کارت ترفیع.

کا رتها ی تر فیع بر ید- جنرا لها ظهر دیروز توسط رفیق نوراحمد نور عضو بیروی سیا سی و منشی کمیته مرکزی حزب د مو کرا- تیك خلق افغا نستا ن طی مراسمی در وزا رت دفاع‌ملی توزیع شد .

دراین مرا سم رفیق دوکتور صالح محمد ز یری عضوبیروی سیا سي ومنشی کمیته مرکزی حزب، رفیق تورن جنرال عبدالقادر سر ـ پرست وزارت دفا ع ملی، رفیق‌تورن جنرال بابه جا ن لوی درستیز و رفیق بر ید جنرال گل آقا رئیس عمو می امور سیا سی قوا ی مسلح نیز شر کت دا شتند .

قبل از توزیع کارت ها رفیق نور نخست بهتر ین تبر یکا ت صمیما نه‌وشادباش های گرم رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب د مو کراتیك خلق افغا نستا ن ورئیس شورا ی انقلابی ج.د.ا رابه آ نعده‌از افسران که‌به‌رتبه برید جنرالی ارتقاء یافته اند رسا نیده طی بیانیه یی تر فیع صاحب- منصبا ن قوا ی مسلـح را تبریك گفته علا و ه کرد :

بر جستگی این ا مر در ارتباط به اوضاع واحوال‌کنونی که جنگ اعلام ناشده ای ازطرف ا مپر یا لیـزم و هژمو نیزم علیه انقلا ب ومردم زحمتکش ما به راه اندا خته شده و آماد گی اردو ی‌قهرمان وفدا کا ر در دفا ع ازدست آورد ها ی انقلا ب ثور ومرحله نوین وتکاملی آن ارتقاء یافته است حایز اهمیت جـدی است .

متن فرما ن مورخ ا و ل‌ثور سا ل ۱۳۶۱ هیئت ر ئیسه شورای انقلا بی جمهو ر ی دموکراتیـك افغا نستا ن در زمینه منظوری تر فیع‌یکعده ازدگر والها کـه به ر تبه برید جنرالی ارتقاء یا فته اند قرائت گردید .

بعد از توزیع کا رتهارئیس او پرا سیو ن وزار ت دفا ع ملی طی بیا نیه یی‌به‌نمایندگی از آنعده افسرا نیکه به رتبه برید جنرالی ارتقاء نموده اند سپا س عمیق شا نرا به پیشگاه رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مر کز ی حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستا ن و رئیس شورای انقلا بی جمهوری د مو کرا ـ تیك افغا نستا ن و کمیته مرکزی حزب ابرا زداشت.

درختم این مرا سم رفیق تورن جنرال عبدالقادرسرپر- ست وزارت دفا ع ملي د ر ارتباط به ترفیع جنرا لها و وظا یف سترگ آنها مطالبی بیا ن کرد . (ب)

افتخار به انقلاب ثور و مرحله نوین آن که راه درخشان اعمار جامعه نوین و عادلانه را در افغانستان کشوده است!

از شش هزار سال...

دوشینه ،درنگار خانه تاریخ روز گار ،
استاد کهنه کار ،
چون آشنای نا کس گم‌کرده خو یشتن،
در نشئه مقام:
چشمم به چشم دو خت.
خونم فواره زد ،
خشمم شراره زد،
زیر تگرگ آتش پرسش گـرفتمش ،
آنسان که گفتی آهن‌وپولادوخاره سو خت .

-۱-

(ای آشنای ناکس گم‌کر ده خو یشتن!
چون میتوان نهفت،؟
کز شش هزار سال،
ما، دد ستیز بدد دل‌خاور به سنگر یم.
درجنگ دیو وظلمت‌واهر یمن و دروغ،
نستوه لشکر یم .
ما نند آفتا ب ،
از لحظه طلوع،
تقد یر ما ، رسا لت ماهحو تیر گیست.
ما نند انقلاب،
میلاد مـا، سپیدهٔ د نیای دیگریست .
* * * *

چون میتوان نهفت؟
کز شش هزار سال،
با زشتی وپلیدی‌و پتیاره‌د شمنیم .
در کارو در کنش،
در فکر و در منش،
آزاد گی و نیکی و خو بـی شعار ماست.
دراوج وپست وپیچ و خـم‌این شگفت ره،
مر گ، افتخار ما ست.
* * *

چون میتوان نهفت؟
کز شش هزار سال،
ما، کاوه ایم و رستم وبو مسلم جهان،
بیباک و بی امان،
فاتح وقهرمان
* * *

چون میتوان نهفت؟
کز شش هزار سال،
این دشت‌وکوه ودره‌واین‌شیب و این فراز ،
نو شیده خون ما،
ضحاك مار دوش،
اسکندر در نده و چنگیزدهر سوز،
غولان بادیه ، (۱)
دیوان بحر و بر ،
ارباب‌گیتی خوار زرو زورو مرگ‌وشر ،
گرد یده ،باربار، به‌سختی زبون ما.
* * *

چون میتوان نهفت؟
کز شش هزار سال،
ما، شط پر تلا طم رزم‌وشجاعتیم،
تو فان غیر تیم،
بر قیم و آتشیم،
رعد یم و زلز له ،
کو یی ، قیا متیم،.)

-۲-

چون تیر آخر ین من ازچله شدرها،
استاد کار گاه،
آمدبه قاه قاه:
(آری، قیامتید!
از شش هزارسال،
بس دیو ودد فگنده به خاك مذ لتید.
اما ،چه بیشتر،
تاج شهی که از سر دیوی‌ستانده اید ،
باری ،د گر به تارك یوی‌نشا نده‌اید.
* * *

از شش هزار سال،
فا تح قدر تید،
اما ،نه صا حبش.
فا تح ثروتید،
اما،نه ما لکش.
جز خون خو یشتن،
خون برا درا ن،
با تلخ وسخت‌نان،
نا دیده سفره تان.
* * *

ازشش هزارسال،
گردیدو قهرما ن،
اما ،چه بیشتر،
بر جان همد گر.
* * *

از شش هزار سال،
بس تخت وبارگاه جهانخوار اهر من،
با مشت تان شکست.
اما.. «فر یب»- تیرخردسوزوا پسین،
چون ضر به گیر نقطه «آشیل» آهنین،(۲)
درپای تان نشست.
براوج قله های ظفر راه تان‌بست .
ابلیس فتنه گر،
-آسو ده ز انتقام-
آنک، به‌تخت قدرت ووحشت ،دوباره جست
* * *

آری یلان شرق!
از شش هزار سال بـر آشفته بسر گذ شت،
بتوان اگر گذ شت،
- اینگاه که خون رفته تان‌دردل قرون،
خر شید آتشین شده وباز گشته است.
اینگاه که فتح تان،
بر هر چه د یوی ظلمت و پتیاره ستم،
بر هر چه درد و غم،
آغاز گشته است،
اینگاه که بخت تان،
انباز گشته است -
چون میتوان نهفت؟
چون میتوان نگفت؟
این ننگ سحر خد عه اهریمن و «زئوس»،
یعنی شما وباز:
با آفتاب جنگ.
با «آتش پرومته»و باانقلاب جنگ. (۳)
یعنی شما وباز:
«قا بیل» گو نه قتل وقتال برا دران،
کشتار خوا هران...)

-۳-

استاد کارگاه - که رو زش‌سیاه باد!-
این ،گفت وبر گر فت،
چشمان ز چشم من.
باری دگر ، قیا متی انگیخت‌خشم من:
بگر فتمش گلو،
دندان و چنگ‌را،
بردم بدو ،فرو.
اما، شکست چنگم و دندان‌بسود ،ریخت .
بازش به کار گاه،
پیچید قاه قاه:
(..از شش هزار سال،
رز مند گان حق،
اینگو نه بود ه‌ا ند،
در آستان حق!)
* * *

دیگر نبود طا قت این جای بودنم ،
وهن عظیم این همه تهمـت کشیدنم.
صحبت گسیختم،
لابد گر یختم.

-٤-

بیرون‌کار گاه،
محشر به پای بود،
از شش هزار سال،
آنچه گذ شته بود،
خا موش گشته بود:
در پیش چشم خسته مـن‌راه می کشید.
چون دود کوره های جهنم،شر رفشان،
انبوه نسل های کهن ،آه‌می‌کشید ...
رفتم زهوش ..وباز،
چون آمدم به‌خو یش،
زا نبوه رفتگان،
دیگر، اثر نبود.
اما.. به بحر شعر شکـوهمند مو لوی:
«کز دیو ودد ملو لم‌وانسانم آرزوست »
بر روی هست من،
رستم ،به خون سینه سهر اب پهلوان،
رنگین سروده بود:
(بر نسل انقلاب،
- این برترین بنا گر دنیای بی فر یب-
در نور سرخ تجر بت شش هزارسال،
رستن ز ننگ‌خد عه دورانم آرزوست.)
سر دار قهرمان خراسان، به پای آن،
با تکه بدن،
امضا نموده بود.

کا بل - حمل ۱۳۶۱

۱- به ر وایت اویستا وشهنامه‌ها مدنیت های آریانای کهن پیوسته‌مورد تهاجم قبایل بادیه نشین فـر ا ر میگرفت، حماسه‌ها وپیکار های اجدادسلحشور ودلیر ما با آنان ، بخش‌بزرگ‌اساطیر وتاریخ کهن مارا می‌سازد.

۲- آشیل ، قهرمان افسانـوی یونان باستان ، تنها از پاشنه ضعیف‌بود ، ازین جهت نقطه‌ضعف قهرمانان منجمله با استعارهٔ «پاشنهٔ آشیل» افاده میگردد .

۳- زئوس رب ا لارباب قدرت دراساطیر یونان باستان است که‌باری‌اراده کرد ، آدمیان رااز روی زمین محو کند ،اما، پرومته،یکی ازنزدیکان‌او، به‌دفاع از آدمیان برخاستو مانع‌اجرای این ارادهٔ زئوس گردید. پرومته ، بر علاوه ، آتش‌را پنهانی‌از بارگاه زئوس ربوده وبه آدمیان سپرد که بـا آن ، بر نور و حرارت دست یافتند، کانهاومعادن را استخراج کردند وتمدن بشری را پی افگندند.

دیدگاه های مردم:

به منا سبت‌چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور، بایکعده از اقشار ز حمتکش کشـور به پای صحبت نشستیم. ما از میان گفت وشنودهای که‌با کار گران مبتکر، دهاقین زحمتکش،دوکتوران وکارمندان طبی ، استا دان و هنر مندان داشتیم گفته های مختصری را نقل مینمایم :

* ماغرض گفت وشنود با کارگران نورانساز سری به فابریکه نسا جی کندهار میزنیم وکارگران زن را کـه معروف کار روزمره خو د اندبه صحبت می‌نشینیم .

در شعبهٔ ر فو تـعداد ز یادی از کارگران معروف اند و ما با عایشه کارگر جوان این شعبه که‌باعلاقـه سر گرم کار خود است سر صحبت را میگشاییم .

عایشه

عایشه زنیست که شوهرش درراه دفاع از انقلاب و میهن بی هراس به قلب تاریکی ها یورش بردو درفرجام قهرمانانه جام شهادت نوشیـد وبه جاودانه‌ها پیوست. عایشه که با مرگ شوهر آتش نفرت وکینه اش نسبت به عناصرضد انقلاب بیشتر ازهروقت د یگر شعله‌ور تر گردیده پیکا ر علیه عناصر ضد انقلاب را مقدس وعادلانه میداند . او عضو سازمان دمو کراتیک زنان است وعنقریب‌عضویت پرافتخار

فیض الله

ح.د.خ.ا. رانیز کمایی خواهد کرد . او درحالیکه برق آرزوهای پاك انسانی از چشمانش ساطعا ست میگوید : «حزب و دولت همه چیزمه اس، باقطره های خونم ازوطن خود دفاع میکنم . انقلاب از دست وپای مازنان زنجیر هارا برداشت .»

عایشه در خانهٔ که مربوط کـارگران فابریکه است زندگی دارد او باور مند به آینده ، متین واستوار بخاطرامر تولید در کنار ماشین از ماشین دفاع می‌کند .

* فیض‌الله حقمل معا ون منشی و مسوول تشکیلات کمیته ولایتـی سازمان دمو کراتیك جوانان افغانستان ولایت فاریاب یکی از جملهٔ اشتراك کنندگان در پلینوم چـهارم کمیـتهٔ مرکزی سازمان دمو کراتیك جوانان افغا نستان میبا اشد ، میگوید :

جوانان کشور انقلابی ما باید هرچه بیشتر و فشرده تر متحد شوندوبه صفوف قوای مسلح ،خارندوی ودیگر گروه های مدافعین انقلاب بپیوندند، دست مدا خلات بی شرمانه و تو طئه آمیز علیه افغا نستان عزیز را کوتاه سازند . از آرمانهاو دست آورد های انقلاب جوانمردانه د فاع نمایند .

از تمام محصلان ، متعلمان جـوان وسایر جوانان زحمتکش کشور تقاضا مینمایم که بادرك عمیق از مصوبات پلینوم چهارم کمیته‌مرکزی س.د.ج.ا. آگاهی تام حاصل نموده ودرپیاده‌کردن آن درساحه عمل هرنوع آمادگی رااز خود نشان د هند .

بخاطر اعمار جامعه نوین و آبادی وطن محبوب م ان باید در تمام‌ولایات کشور گروه های ضربتی کار بمنظور آباد ساختن مکاتب ویران شد ه از جانب ضد انقلاب ، مساجد ، پلـها سرك هاو غیره ایجاد گردد .

* دکتور سپیلا صدیق د و کتـور جراحی دراکادمی علوم طبی قوای مسلح می گوید :

اگر فرزندان میهن پرست مادر روز های دشوار مبارزه برلانه های دشمن یورش برده وشرایط زیست صلح آمیز را برای ما میسرمی‌سازند ماکار مندان صحی نیز وظیفهٔ سنگین انسانی و پر مسوولیت تامین صحت و سلامت شانرا بدوش داریم .

دوکتور سپیلا صدیق درسال۱۳٤۱ از لیسهٔ ملالی فارغ و ١٤ سال در رشتهٔ جراحی در کشور دوست‌اتحاد شوروی تحصیل کرده و امروز ثمرهٔ اندوخته هایش را عملا در کار طبی واعاده صحت هموطنان اش بکار می‌برد .

* محمد (نظری) معاون منشی و مسوول تشکیلات کمیته ولایتی سازمان دمو کراتیك جوانان در ولایت بامیان از جملهٔ اشتراك کننده در پلینوم چهارم کمیته مرکزی س.د.ج.ا.میباشد چنین اظهار نمود :

«پلینوم چهارم کمیتهٔ مرکـزی سازمان دمو کراتیك جوانان افغانستان یك سلسله وظایف سنگین و مقدس رادر برابر جوانان قرار میدهد که جوانان ما همین‌اکنون باید با احساس عالی وغرور انقلابی خویش را جهت عملی نمودن این وظایف‌آماده سازند.»

* سیمین نرس در کلینیك بهزاد حمایه طفل ومادر :

«... در ساحه کار و وظیفه یـك پرستار دیگر تفاوت های‌ناهمگون‌روز - گاران گذشته جایی‌ندارد. همه امکانات موجود و نیروی مادر خدمت ا نسان زحمتکش خواهد بود . الهام دهندهٔ این تصمیم وانجام این رسالت ، آرمان انسانی حزب پر افتخار ماست حزبیکه ازآغاز مبارزه احساس‌احترام به انسان را و و قـف شدن در راه انسان زحمتکش را به من آموخته است .

قلب من همواره بخاطر آن‌هموطنانم که‌فقروبیمداالتی آنها رااز ابتدا ئی ترین امکانات معالجه و مداوا محروم کرده بود می تپید .

فقر وبیمدالتی عامل مرض استو جنگ علیه فقر وبیمدالتی بزرگترین هدف انسانی حزب ما است . باپیروزی انقلاب و تامین تمام ز مینه های‌سالم کارصحی، دکتوران و تمام خدمتگزاران طبابت رسالت تامین صحت و سلامت هموطنان مارا نیك تربسر رسانیده میتوانند .

من و گروپ صحی مادر حوت‌سال گذشته توانستیم دو هزار مریض‌را از ٦٠٠ فامیل نیازمند در ولایت قندهار کمك طبی نماییم .

ما کار مندان صحی به حکم مسلك آماده خدمت به انسان نیاز مند جامعهٔ خود استیم .

* محترمه ماه‌گل معلم سابقه‌دارلیسهٔ رابعه بلخی در گفت و شنودی بـا خبرنگار ما میگوید :

«من‌یك مادرم ، ۲۸ سال می‌شود وظیفه مقدس معلمی ر ا بعهده دارم، همانطور یکه در برابر فرزندان خودم



ماه گل

مسوولیت دارم در برابر فر زندان هموطنانم ، د ر برابر شاگـردانـم که‌برای آموختن به مکتب آمده اند نیز احساس مسوولیت مادرانه دارم ، فرزندان امروز ما سازندگان فردای کشور خود اند ، ما آموز گاران وظیفه نهایت سنگین تربیت وپرورش اینهارا بعهده داریم .ادا ی این وظیفه مهم اجتماعی وظیفه وجدانی ما است.»

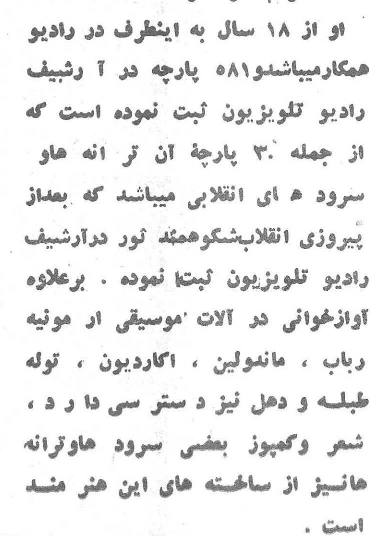
* گلزمان هنرمندرادیو تلویزیون: «هنرمند امروز یعنی هنرمند دوران انقلاب با هنر مند دیروز تفا و تهای زیادی دارد هنرمند امروز باید ولسی



گلزمان

باشد وبر زبان مردم خود بخواند واز طریق هنر خود باید به انقلاب ، مردم ووطن خدمت نماید . هنرمند انقلابی وظیفه داردکه‌باهنر خود شورواحساس مردم را در برابر ضرو ر ت د فاع از دستاورد های انسانی انقلاب‌برانگیخته مطابق به نیاز جا معه خود هنررا در خدمت مردم خود قراردهد . »

او از ۱۸ سال به اینطرف در رادیو همکارمیباشدو٥۸۱ پارچه در آ رشیف رادیو تلویزیون ثبت نموده است که از جمله ۳۰ پارچهٔ آن تر انه هاو سرود ه ای انقلابی میباشد که بعداز پیروزی انقلاب‌شکوهمند ثور درآرشیف رادیو تلویزیون ثبتا نموده . برعلاوه آوازخوانی در آلات موسیقی ار مونیه رباب ، ماندولین ، اکاردیون ، توله طبلـه و دهل نیز د ستر سی دا ر د ، شعر وکمپوز بعضی سرود هاوترانه هانیز از ساخته های این هنر منـد است .



سیمین

داکتر سپیلا

هفته همبستگی بین المللی با انقلاب افغانستان

قهرمانان صلح اتحاد شوروی به مناسبت بزرگداشت از هفته بین‌المللی همبستگی بامردم افغانستان که نظربه تقاضای شورای جهانی صلح بصورت شکوهمند در کشور های د و سـت افغانستان از تاریخ اول تا ۷ ثـور تجلیل گردید ، همبستگی شا نرا با مردم افغانستان طی تلگرامی ابـراز داشتند .

دراین پیام تلاشهای محافل‌امپر - یالیستی در راس امپریالیزم امریکـا ومتحدینش و هژمونیست های چین در امور داخلی جمهوری دمو کراتیک افغانستان بشدت تقبیح گردیده و از پیشنهاد صلح افغانستان در مـورد حل سیاسی او ضاع اطراف افغانستان قاطعانه پشتیبانی شده است .

آژانس مطبو عاتی- پولند بمناسبت تجلیل هفته بین‌المللی همبستگی بـا مردم افغانستان تبصره مفصلی ا نتشار داده که در قسمتی از آن آمده است .

مردم پولند از مبارزات مـر د م افغانستان برای حفظ دست آورد های انقلاب ملی و دمو کراتیك ثورقاطعانه جانبداری می نمایند .

مفسر آژانس خبـری بی.تی.ا. جمهوری مردم بلغاریا ضمن تبصره درین مورد می نویسد :

پیمان دوستی وهمکاری بین‌دوکشور که اخیراً از طرف رفیق ببرك کـارمل منشی عمومی کمیته مرکزی‌حزب دمو- کراتیك خلق افغانستان و رئیس‌شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك‌افغانستان ورفیق تودورژیفکوف منشی عمومـی کمیته مرکزی حزب کمو نست و رئیس شورای دو لتی بلغاریا بـه ا مضاء رسیـد روابـط دو کشور را به اوج برادری آن رساند . در این سند دو کشور سهمگیری چشمگیرشانرادراعلامیه مشترك مبارزه‌علیه‌نیروهای‌ارتجاع‌وامپر- یالیزم به امر تحکیم و همکاری بین - المللی ابراز داشتند .

مشی مستحکم و اصولی که ازطرف جمهوری مردم بلغاریا تعقیب می‌گردد حمایت از مردم شجاع افغانستان در مبارزه شان علیه مداخله نیرو هـای ارتجاع داخلی و بین‌المللی و علیـه ضد انقلاب افغانستان می باشد که از طرف چین وامریکا در قلمرو پاکستان علیه انقلاب ثور ساز مان دادهشده‌اند.

مردم بلغاریا همکاری و کمك های به موقع اتحاد شوروی را به‌افغانستان عالی ارزیابی می نمایند .

مردم بلغاریا ضمن سهمگیری د ر هفته بین‌المللی همبستگی بـا مـردم افغانستان علیه مداخله علنی ارتجاع وامپریالیزم در امور داخلی جمهوری دموکراتیك افغانستان جدا اعتـراض کرده و مصرانه تقاضا میکند ایـن مداخلات هرچه زودتر قطع گردد .

دوگیر عضو هیات رئیسه ا نجمن دوستی افغانستان و مغلستان درارتباط باتجلیل هفته همبستگی بین ا لمللی بامردم‌افغانستان طی مصاحبهٔ باآژانس موسمه مغلستان‌گفت : مردم‌مغلستان از مبارزه برحق مردم افغانستان علیـه مداخلات امپریالیزم وهژمونیزم چین به‌صورت پیگیر و قاطعانه حـمایت می نمایند .

وی گفت : جمهوری مردم مغلستان یکی از نخستین کشور های بود کـه جمهوری دموکراتیك افغانستان را به رسمیت شناخت ، ایجاد انجمن های دوستی بین مردمان دو کشور می‌تواند مثال بر جسته این دوستی روبه‌رشد بین مردمان افغانستان و مغلستـان گردد .

(ب)

زیر نظر هیات تحریر
مدیر مسوول : محمود بریالی

تیلفونها
معاون : ۲۲۷۴۸ اداری : ۲٤٥۷٥ صندوق پستی : ۷۸۰
سکرتر مسوول : ۲۲۲٥۹ شکایات توزیع : ۲٦۸٥۹ حساب بانکی : ۹ر۱۰۱۸
صبح روزهای یکشنبه ، سه‌شنبه و پنجشنبه نشر میشود
قیمت یک شماره ۲۰ افغانی
چاپ ویب آفست مطبعه دولتی